

ملاحظات غیر حقوقی وکیل یا مددکار



عکس: Quinn Dombrowski

دان و وکیل دادگستری حقوق - مهناز شریف

قانونی به آن، و وسیعی دارد که پرداخت حقوقی مانند ایران، آن قدر ابعاد گسترده در جوامعی «خانگی خشونت» واقعیت این است که صرفاً می‌تواند گویای بخش ناچیزی از اصل ماجرا باشد.

لازم است که در کنار «های خانگی خشونت» و پیچیده‌ی پر دامنه‌های حقوقی یا برخوردهای قانونی با مسئله به سخنی دیگر: پرداخت گیری پی - های اجتماعی به ویژه قربانیان آسیب - بالابردن استانداردهای زندگی تمامی شهروندان های حقوق بشری با انگیزه‌سایر کوشش شود.

بودن آن (در قیاس با یک «جزئی» ، به رغم «های خانگی قانونی به خشونت- پرداخت حقوقی» توان کرد که با این همه، کتمان نمی ریزان‌گران حقوق بشری یا برنامه‌شود کنش‌برخوردار است که لازم می «کارایی» کلی و فراگیر، در عمل از چنان اهمیت و مسئله اجتماعی، همواره نگاه ویژه‌ای به این امر داشته باشند.

اگر بخواهیم به این پرسش محوری پاسخ بگوییم که: یک حقوقدان یا وکیل دادگستری که در متن مناسبات اجتماعی، سیاسی و البته متمرکز تر بپردازد و مشخصاً بر روی این موضوع به طور جدی «های خانگی خشونت» کند، اگر بخواهد به مسئله کنونی کار می «حقوقی» شود، چه ابزارهایی در اختیار دارد و باید بر کدام ملاحظات ظریف حرفه‌ای مکث کند تا در نهایت دفاعی موثر از موکل خود را تدارک ببیند و وارد عرصه ای نشود که لزوماً حقوقی نیست .

دفاع در مقام وکیل قربانی

اند. به این اعتبار، وکلا یا مشاوران حقوقی، دیده و آسیب اند که قربانی، وکلا معمولاً با اشخاصی مواجه «خشونت خانگی» های در پرونده هایی که قانون درسد که معرفی امکانات یا فرصت‌ها هستند. لذا در اینجا به نظر نمی‌آید این پرونده «خواهان» یا «شاک» اغلب طرف پرونده گذاشته است؛ لازم باشد یا طرح این بحث اساساً تأمین کننده نظر ما باشد. هر چند که در اینجا نیز «خوانده» یا «متهم» اختیار می‌توان بر روی برخی از حقوق قانونی عام، نظیر حفظ اسرار موکل یا اطلاعات موجود پرونده یا رعایت حریم خصوصی دست گذاشت. (جدید) مواد ۷۳۱ تا ۴۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری

۷۹۱ ۸۴ قانون آیین دادرسی جدید) یا حق برخورداری از وکیل دادگستری (اصل ۵۳ قانون اساسی یا ماده اشاره به حق سکوت (ماده حقوق متهمان» قانون آیین دادرسی کیفری جدید) نیز از جمله همین حقوق عامی است که هرچند به طور غالب و مشخص در پیوند با های پرونده چنین حقی ندارند. به ویژه که در چهارچوب قانون آئین دادرسی؛ اما این به آن معنا نیست که سایر طرف مطرح می «پرونده کیفری جدید (۲۹۳۱) تضمین‌های مشخص‌تری برای تأمین این دست از حقوق به عمل آمده است.

وکیل یا مددکار

کنند، همواره کار می «های خانوادگی پرونده» های موسوم به بسیاری از وکلای دادگستری در ایران، به ویژه آنانی که بر روی پرونده اند. به چه معنا؟ خلط کرده «مددکار اجتماعی» را با «وکیل دادگستری» هایی از موکلانی دارند که در مراجعه به دفتر آنان، نقش روایت پناهی، وکیل‌اند از فرط بی‌شده «های خانگی خشونت» های اجتماعی و به طور مشخص به این معنا که بسیار موکلانی که قربانی آسیب

خود را در جایگاه فردی قلمداد می‌کنند که علاوه بر مشاوره‌های حقوقی، قرار است که به آنان مشاوره‌های فردی و خانوادگی نیز بدهد. (...اند بهتر است که طلاق بگیریید وها بگوید که با این شرایطی که در آن گرفتار آمده‌فرضاً به آن

شود. حال اگر یک وکیل دادگستری در چنین‌ریشه یا از سر اتفاق تکرار نمی‌ما نیست و به هیچ وجه هم بی این پدیده البته مختص جامعه باشم و آنچه در «حقوقی مشاوره» کند که صرفاً یک‌شغلی من ایجاب می‌تواند بگوید که وظیفه‌شرایطی قرار بگیرد چه باید بکند؟ آیا می‌...متن قانون آمده است را مو به مو محترم بشمارم و

به این پرسش همین باشد؛ اما واقعیت امر این است که مسائل دیگری نیز «العملی‌دستور» کم‌رسد که پاسخ سر راست یا دست‌به‌نظر می‌در میان است؛ مسائلی که نمی‌توان به سادگی از کنار آن‌ها گذشت. فرضاً یک وکیل دادگستری شرافتمند نمی‌توان چشم بر روی ناکارآمدی مکانیسم‌های دولتی ببندد. نمی‌تواند تبعیض‌های آشکار حقوقی علیه زنان جامعه را نادیده بگیرد. نمی‌تواند از تلاش‌های فردی برای جبران نارسایی‌ها یا تبعیض‌های حقوقی ناامید شود. دست‌کم چنین وکیلی باید سعی کند که شرایط پرتبعیض حقوقی علیه موکل خود را تا اندازه‌ای که می‌تواند تعدیل کند.

فهرست بالا را کماکان می‌توان ادامه داد. اما سخن اصلی بر سر همان است که واقعیت‌های عینی اجتماعی، امور و وظایف دیگری را هم‌های اجتماعی‌شدگان جامعه و قربانیان آسیب‌راندۀ توان کرد که دفاع قاطع از فرودستان، به حاشیه‌کند. به هر صورت پنهان نمی‌تحمیل می‌گنجد.‌های اداری و قانونی نمی‌العمل‌انسانی که الزاماً هم در چهارچوب تنگ دستور-تام اخلاقی یک وظیفه

جز انجام دهد.‌ها را به جزبه‌آن قانونی خود واقف باشد و-ای در همین ارتباط، یک وکیل دادگستری، ضمن آن که باید به وظایف حرفه باید شرایط موکل و وضعیتی که وی در آن گرفتار آمده است را نیز درک کند. فرضاً در مواردی لازم می‌شود که موکل را به روانکاو یا‌های خانگی را بایستی بدهد؛ قربانیان خشونت‌تشخیص می «اضطراری»‌هایی که آن رامددکار اجتماعی ارجاع دهد و یا در موقعیت تواند کمک کند؛ خوب‌شخصی ندارد و به روند پرونده نیز می‌های اجتماعی معرفی کند. اگر مسئله مرتبط است، جنبه‌مراکز اورژانس است که وکیل دادگاه را هم از این امر مطلع کند.

های وی‌های اجتماعی بشردوستانه دارد، باید بتواند به خوبی برای موکل خود وقت بگذارد. گفته‌فعالیت یک وکیل دادگستری که دغدغه را از سر دل‌سوزی بشنود و با وی احساس هم‌دردی داشته باشد. موکل، به ویژه موکلانی که در شمار قربانیان خشونت‌های خانگی هستند افراد آسیب‌پذیری هستند. آنها نیاز دارند که با وکلای خود احساس راحتی کنند.

کند تا اطلاعات‌زیادی به خود وکیل نیز کمک می‌واقعیت این است که نزدیک شدن به موکل و درک مشکلات عینی وی، تا اندازه تر و کاراتر از مطلوب تواند به دفاع‌گیر مشکلات موکل شود. اموری که در نهایت می، پی تری از پرونده را به دست آورد و صادقانه کامل موکل در تمامی مراحل دادرسی بیانجامد.